

# اعجاز تاریخی قرآن

اخبار به غیب در قرآن

آسمر جعفری

مدرس مراکز تربیت معلم و دبیر دبیرستان های اراک



مقدمه

«الحمد لله الذی هدانا لهذا و ما كنا لنهتدی لولا ان

هدانا الله»

قرآن مجید سند حقیقت رسول خدا (ص) و دلیل

صحت نبوت اوست. معجزه ای است پایا، جهان شمول

و فراگیر که جنبه های اعجازی آن متنوع و گونه گون است.

در هر عصری، یکی از جلوه های آن آشکار و روز به روز

یرحقیقت آن افزوده می شود. «تحدی قرآن» از عصر نزول

تا به امروزی پاسخ مانده است و هیچ کس رایارای اجابت

این هموردخواهی نبوده است؛ اگرچه مختار بودند جن و

انس را هم به یاری بطلبند. زیرا قرآن کتابی است برای هدایت

تمامی بشر و لذا باید در هماری گذرگاه تاریخ جاوید و

بی بدیل بماند.

در این نوشتار، به یکی از جنبه های اعجازی قرآن

پرداخته شده است. اعجاز تاریخی قرآن که در گذشته به

«اخبار غیبی قرآن» مصطلح بوده، از موضوعات بسیار مهم

بحث اعجاز است. با بررسی دقیق این وجه از اعجاز قرآن،

شکوه آن عمیق تر و نمایان تر می شود.



## آغاز نگارش های اعجاز تاریخی قرآن

از آن جا که در این نوشتار بررسی یکی از وجوه اعجاز مدنظر است، لذا از توضیح بیشتر در زمینه‌ی آغاز نگارش های اعجاز قرآن و سیر تطور آن خودداری و فقط اشاره می‌شود که در گام های آغازین این گونه نگارش ها، آنچه بسیار نمودار دارد، بحث و بررسی مؤلفان و اندیشمندان در مورد اعجاز بیانی قرآن و فصاحت و بلاغت بی نظیر آن است و در واقع وجوه دیگر، رفته رفته در میان آثار اسلامی ظهور می‌کنند.

با نگاهی گذرا و اجمالی به کتاب «فکره الاعجاز القرآن» حمصی و بررسی سیر این گونه اندیشه ها، درمی‌یابیم که اندیشه‌ی اعجاز تاریخی قرآن را نخستین بار نظام در قرن سوم مطرح کرد. او اعجاز قرآن را در دو وجه «صرفه» و «اخبار غیبی» محدود کرد و معتقد بود، قرآن از نظر فصاحت و بلاغت معجزه نیست و اگر خداوند اراده‌ی مردم را از آن باز نداشته بود، بر انجام آن قادر بودند. بعد از او، عیسی بن الرمانی است که اخبار از آینده را از جمله وجوه اعجاز می‌شمرد و بعد از رمانی در قرن پنجم، قاضی عبدالجبار باقلانی این وجه را مطرح می‌کنند [حمصی، ۱۴۰۰ هـ. ق: ۴۲]. باید توضیح داد که اصطلاح اعجاز تاریخی قرآن، اصطلاح جدیدی است و آنچه در گذشته ناظر به این معنا بوده، «اخبار به غیب» است. اما اعجاز قرآن فقط در این وجه خلاصه نمی‌شود، زیرا وقتی از معجزه بودن قرآن سخن می‌گوییم، مراد کل قرآن است، حال آن که آیا ناظر به اعجاز تاریخی قرآن در برخی از سوره‌ها و آیات باقی می‌ماند.

## اخبار غیبی قرآن

اخبار به غیب در قرآن فراوان به چشم می‌خورد و نگارنده بعد از دقت در تفاسیر آیات ناظر بر اخبار غیبی، تقسیم‌بندی زیر را برای درک بهتر آن انجام داده است:

- بیان سرگذشت و رویدادهای تاریخی امت‌های پیشین.
- اخبار از حوادث آینده (ملاحم).

الف) اخباری که در عصر نزول تحقق یافتند.

ب) اخباری که بعد از عصر نزول تحقق یافتند.

ج) اخباری که هنوز محقق نشده‌اند:

۱. اخبار مربوط به بیان علائم و نشانه‌های قیامت.

۲. وعده‌ی خداوند به جانشینی صالحان در زمین.

۳. آیات بیان‌کننده‌ی احوال بشر در جهان آخرت.

۴. وعده‌ی مضمون‌مانند قرآن از تحریف.

● بیان حقایق عالم هستی و معجزات علمی قرآن.

## بیان سرگذشت و رویدادهای تاریخی امت‌های پیشین

در قرآن مجید سرگذشت امت‌های پیشین یا روش‌های متفاوتی بیان شده است؛ امت‌هایی که صدها، هزاران و بلکه بیشتر پیش از قوم عرب می‌زیسته‌اند. بازگویی سرگذشت آن‌ها - از نخستین آن‌ها یعنی اولین انسان و اولین پیامبر حضرت آدم (ع) - در قرآن کریم به گونه‌ای است که گویا پیامبر اسلام (ص) خود شاهد احوال آن‌ها بوده است و حتی محاورات آن‌ها را به نحو دقیقی بازگو می‌کند.

«قرآن، اهم احوال انبیا و اهم وقایع زمان آن‌ها را از عصر آدم تا خاتم بیان می‌کند. اخباری که در قرآن آمده است، امری عقلی نیست، بلکه متوقف به شنیدن است و شنیدن و نقل کردن نیازمند قرائت و کتابت است، حال آن‌که چنین اخباری بر کسی نازل می‌شود که نه قرائت می‌داند و نه کتابت [نورسی، ۱۳۷۹ هـ. ق: ۶۶].»

بسیاری از قصص قرآن را علمای یهود با مدد از کتب آسمانی خود تصدیق می‌کردند و هیچ عقل سلیمی نمی‌پذیرد که چنین فردی در چنین جامعه‌ای بتواند، بدون اتکا به نیروی فوق بشری به ذکر احوال اصحاب کهف، ذوالقرنین، محاورات خضر (ع) و موسی (ع)، قوم نوح (ع) و بنی اسرائیل، و... پردازد. خداوند خود در چند موضع به این نکته اشاره می‌کند که این آیات اخبار غیبی هستند که پیش از این، تو و قومت از آن باخبر نبودند:

● «تلك من انباء الغيب نوحيها اليك...» [هود/۴۹].

● «ذلك من انباء الغيب نوحيه اليك...» [يوسف/۱۰۲].

احصای موارد قصص قرآن و اخبار غیبی آن، کاری است دشوار و خارج از حوصله‌ی این نوشتار، اما برای روشن‌تر شدن مطلب به ذکر دو نمونه می‌پردازیم:

۱. در قرآن کریم سوره‌ای به نام «سبأ» آمده است که در پاره‌ای از آیات آن به ذکر احوال قومی به همین نام می‌پردازد: «لقد كان لسبأ في مسكنهم آية جتان عن يمين و شمال... فاعرضوا فارتسنا عليهم سيل العرم و بدلناهم بجهنهم جنتين...» [سبأ/۱۵-۱۶]:

«در این آیات داستان قوم سبأ آمده است و مدت‌ها بود که مورخان جهان از وجود چنین تمدن و قومی اظهار بی‌اطلاعی می‌کردند. جالب این‌که مورخان قبل از

(۷۳۰-۹۵۴ قبل از میلاد) آغاز و کلمه‌ی فرعون در همین

زمان برای احترام به کار گرفته شد. لذا اعجاز قرآن یار دیگر

در این جا آشکار می‌شود.

یوسف (ع) در دوره‌ی پادشاهی قدیم زندگی می‌کرد

و به این ترتیب برای فرمانروای مصر به جای فرعون، کلمه‌ی

ملک به کار رفته است. همین طور چون حضرت موسی (ع)

در زمان پادشاهی جدید زندگی می‌کرد، فرمانروای مصر

بالبظ فرعون خطاب می‌شد. شکی نیست که باید از تاریخ

مصر آگاهی داشت تا چنین تمایزی را قائل شد. با وجود

این، تاریخ مصر باستان تا قرن چهارم کاملاً فراموش شده

بود، چون خط تصویری قابل درک نبود و تا قرن نوزدهم

معنی این خطوط کشف نشد. بنابراین از زمانی که قرآن

نازل شد تا دوران معاصر، دانش دقیق و کاملی از تاریخ

مصر در دست نبود. این حقیقت باز یکی از شواهد

بی‌شمار این امر است که قرآن کلام خداست [یحیی]

۱۳۸۴ هـ. ش: ۸۲.]

### اخبار از حوادث آینده (ملاحم)

پیشگویی حوادث آینده از جمله مسائل مهم و قابل

توجه است که انسان‌ها همواره به آن علاقه‌مند بوده‌اند و

کوشیده‌اند به هر طریق ممکن، پرده‌ای از پرده‌های عالم

غیب را کنار بزنند و به راز بسیاری از مجهولات خویش

دست یابند. وجود کاهنان، ساحران و رمالان در طول

تاریخ، نشان‌دهنده‌ی این علاقه و اشتیاق درونی

انسان‌هاست. اما پیشگویی‌های این قبیل افراد و نوع بشر

در مورد حوادث آینده با شکست روبه‌رو بوده است. اطلاع

یافتن از زمان و عصری که هنوز درک نشده است، مستلزم

آگاهی داشتن از عالم غیب و شهادت داناست. این علم

فقط در انحصار اوست و تنها او می‌تواند از هزاران سال

آینده‌ی بشری با قاطعیت خبر دهد. البته پیشگویی‌هایی

که گاه از انبیا، اولیا، و ائمه رسیده است، منافاتی با این

موضوع ندارد. زیرا خداوند از علم خود به هر کس که

بخواهد به اندازه‌ی شایستگی‌هایش عطا می‌کند و لذا

می‌بینیم که گاهی این نوع افراد می‌توانند به اذن الهی موج

کوچکی از اقیانوس پرتلاطم حوادث آینده را بازگو کنند.

عصر نزول قرآن، عصر قهی از علم و دانش بود و در

چنی قضایی، قرآن بر زبان رسول‌الله (ص) جاری میشد.

به علاوه، پاره‌ای از آیات، با صراحت و قاطعیت، خبر از

حوادثی در آینده می‌دهند. آنان که به او ایمان آورده‌اند و

اکتشافات جدید، سیما را شخصی فرضی می‌دانستند که پدر

موتیش ذولت «حمیر» بود. در حالی که در قرآن سوره‌ای

به نام این قوم آمده و به یکی از مظاهر تمدن آن‌ها که بنای

سید تاریخی «مارب» است، اشاره می‌کند. اما پس از

کشف آثار تاریخی این قوم در یمن، عقیده‌ی دانشمندان

عوض شد.

این که آثار تمدن سیما تا این اواخر استخراج نشده بود،

دو علت داشت: صعوبت راه و گرمای شدید هوا و یبسی

سکنه‌ی این نواحی نسبت به یگانگان که اروپاییان ناآگاه

و بی‌خبر، گاهی از آن به توحش تعبیر می‌کردند. سرانجام،

عده‌ی معدودی از باستان‌شناسان به خاطر علاقه‌ی

شدیدی که نسبت به کشف آثار سیما داشتند، توانستند به

قلب شهر مارب و نواحی آن وارد شوند و از آثار و خطوط و

نقوش فراوانی که روی سنگ‌ها ثبت شده بودند،

نمونه‌برداری کنند. از آن پس گروه‌هایی پشت سر هم در

قرن ۱۹ میلادی به آن جا راه یافتند و آثار گران‌بهای از آن جا

با خود به اروپا بردند. از مجموعه‌ی این نقوش و خطوط و

آثار دیگر که به هزار نقش بالغ می‌شود، به جزئیات تمدن

این قوم و حتی تاریخ بنای سد مارب و خصوصیات دیگر

آن‌ها پی بردند. به این ترتیب برای غربیان ثابت شد که آنچه

قرآن در این زمینه بیان کرده است، افسانه نیست، بلکه یک

واقعیت تاریخی است که آن‌ها از آن بی‌خبر بودند. امروزه

توانسته‌اند، نقشه‌هایی را از این سد عظیم و محل عبور

آب و مجاری باغستان‌های سمت چپ و راست آن تنظیم

کنند [شورای نویسنندگان، ۱۳۶۷ هـ. ش، ج ۱۸:

تفسیر آیات ۱۵ و ۱۶ سوره‌ی سیما].

۲. هنگام مطالعه‌ی داستان‌های حضرت موسی (ع)

و حضرت یوسف (ع) با این مسئله مواجه می‌شویم که در

قرآن برای فرمانروای زمان حضرت یوسف (ع) کلمه‌ی

«ملک» را به کار برده است: «و قال الملک انتونی...»

[یوسف/۱۲]. و در مقابل، برای فرمانروای زمان حضرت

موسی (ع) عنوان «فرعون» را به کار برده است.

اسناد تاریخی موجود امروز نشان می‌دهد که کلمه‌ی

فرعون در اصل نامی برای سلسله‌ی مصر باستان بوده و به

مقام پادشاهی اطلاق می‌شده است و فرمانروایان

سلسله‌های قدیمی این عنوان را به کار نمی‌بردند. کلمه‌ی

فرعون تا آغاز عصر سلطنت جدید در تاریخ مصر برای

فرمانروایان به کار نمی‌رفت. این عصر با سلسله‌های

هیجدهم (۱۲۹۲-۱۳۵۲ قبل از میلاد) و بیستم

موسى (ع) در زمان فرعون

پروودگاز خود را به علم ازلی و صدق وعده هایش شناخته اند، در انتظار محقق شدن پیشگویی های قرآن می نشینند و آنان که همواره در برابر حق سرکش و عناد کرده اند، به استهزا می پردازند و آن را باطل می انگارند. اما در همان عصر نزول، بسیاری از اخبار غیبی قرآن به وقوع پیوستند و مسلمانان در دین خود راسخ تر و ملجذبان و معاندان خواری و زیون گشتند. بنابراین، همان طور که قبلاً گفته شد، می توان اخبار از حوادث آینده در قرآن را به چند بخش تقسیم کرد:

الف) اخباری که در عصر نزول تحقق یافتند.

ب) اخباری که بعد از عصر نزول تحقق یافتند.

ج) اخباری که هنوز محقق نشده اند (و خود به بخش هایی تقسیم می شوند).

الف) اخباری که در عصر نزول تحقق یافتند

۱. «الم، غلبت الروم، فی ادنی الارض و هم من بعد غلبهم سیقلون، فی بضع سنین لله الامر من قبل و من بعد و یومئذ ینفخ المؤمنون، ینصر الله ینصر من یشاء و هو العزیز الرحیم» [روم / ۵۱]. این آیات از روشن ترین مصادیق اعجاز غیبی قرآن هستند که صدق آن ها در همان عصر نزول بر همگان آشکار شد.

«در قرن هفتم میلادی جهان شاهد دو امپراتوری بزرگ و مقتدر در کناره های جزیره العرب و اطراف بین النهرین بود: امپراتوری ایران و امپراتوری روم یا بیزانس. میان این دو ابرقدرت هر چند سال جنگ های خونینی بر سر تصرف بعضی از مستعمرات در می گرفت و بر دم هر دو دولت متحمل خسارت های سنگین می شدند. تا این که در سال ۶۰۴ میلادی، خسرو پرویز با لشکری عظیم به روم حمله کرد و بعد از جنگی طولانی میان ایران و روم، در نهایت پیروزی عظیمی نصیب خسرو پرویز شد» [جعفری، بی تا: ۶۵].

بعد از شکست سهمگین رومیان، هنگامی که این خیر به مکه رسید، مسلمانان غمناک شدند و مشرکین شادمان. زیرا ایرانیان مجوسی بودند و رومیان مسیحی و مشرکان این شکست را در واقع شکست دین از ناحیه ی شرک می دانستند. در نتیجه این را به فال نیک گرفتند و شکست اسلام را نیز پیش بینی کردند. این امر بر مسلمانان گران آمد تا این که آیات فوق نازل شد و قاطعانه وعده داد که به زودی ایرانیان مغلوب رومیان خواهند شد. در شرایطی که

روم در نهایت ضعف و ایران در اوج قدرت بوده، پس معادلات سیاسی و اموز ظاهری، چنین پیروزی برای رومیان امکان نداشت و این پیش بینی با توجه به شرایط دو امپراتوری ظاهراً منطقی به نظر نمی رسید. اما مسلمانان که می دانستند این کلام خداوندی است که علم بی پایان دارد، شادمان شدند و حتی بر سر این مورد با مشرکان شرط بندی کردند.

این وعده ی الهی به قدری قاطع و دقیق بود که حتی حدود سال های غلبه ی رومیان نیز تعیین شده بود. زیرا مفهوم «بضع» کمتر از نه و بیشتر از سه سال را شامل می شود. در ادامه می فرماید که آن روز مؤمنان به نصرت الهی شادمان می شوند. مفسران، این شادمانی را به خاطر پیروزی می دانند که مقارن با پیروزی روم نصیب مؤمنان می شود (بلدر یا صلح حدیبیه). تاریخ شهادت می دهد که کمتر از نه سال بعد از این وعده ی الهی، رومیان در نبرد دیگری ایرانیان را شکست دادند و مسلمانان نیز در نبرد جدیدی در همان زمان، با پیروزی بلدر (یا صلح حدیبیه) بر مشرکین غلبه کردند. بنابراین می توان گفت، در این آیات سه خبر غیبی نهفته است: خبر دادن از اصل غلبه ی رومیان در آینده، زمان این غلبه، و وعده ی نصرت به مسلمانان مقارن با پیروزی رومیان (زمخشری، ۱۴۱۶ هـ. ق: ذیل سوره ی مبارکه ی نمونه).

۲. «ان الذی فرض علیک القرآن لرادک الی معاد...» [قصص / ۸۵]: «خداوندی که قرآن را بر تو واجب کرد، تو را به منزلت و جایگاهت برمی گرداند.» خداوند در آیه ی فوق به پیامبر وعده ی بازگشت به مکه را می دهد و این که معاد را نکره آورده است، می رساند که آن روز و آن بازگشت، بازگشت خاصی است و معادی است عظیم، همراه با غلبه ی رسول خدا بر اهل مکه و عزت اسلام و ذلت کفار. این آیه در حین مهاجرت پیامبر از مکه نازل شد و تاریخ اسلام نشان می دهد که هنگام نزول این آیه، مسلمانان در بدترین شرایط جنگی و قوایی بودند و بازگشت پیروزمندانه ی آن ها بعید به نظر می رسید. اما طبق وعده ی الهی، پس از هشت سال، مسلمانان با لشکری عظیم بدون جنگ و خون ریزی وارد مکه شدند و خانه ی خدا را از بت ها پاک ساختند. چنین شد که وعده ی الهی محقق گشت و لذا پیامبر (ص) به هنگام وارد شدن به مسجد الحرام، به عنوان شکرگزاری چنین گفتند: الحمد لله الذی صدق وعده و نصر عبده و هزم الاحزاب



وحده [زمخشری، ۱۴۱۶ هـ. ق، ج ۳: ۲۳۶].

۳. «لقد صدق الله رسوله الروه يا بالحق لتدخلن المسجد الحرام ان شا الله عامنين مخلقين رؤسكم و مقصرين لا تخافون» [فتح/ ۲۷].

علامه طباطبایی در «المیزان»، ذیل این آیه می نویسد: «معنای آیه این است که سوگند می خورم، خداوند آن رویایی را که قبلاً نشانت داده بود، تصدیق کرد. و آن رویا این بود که به زودی شما ای مؤمنان، داخل مسجد الحرام خواهید شد؛ ان شاء الله در حالی که از مشرکین ایمن باشید و سرها را برآشید و تقصیر کنید.

در ادامه می فرماید: «فعلم ما لم تعلموا فجعل من دون ذلك فتحاً قريباً: خداوند از مصالح داخل مسجد شدتان چیزهایی می دانست که شما نمی دانستید. به همین دلیل برای شما فتوحی قریب قرار داد تا داخل شدن شما به این وضع میسر شود. از این معنا روشن می شود که مراد از فتح قریب در این آیه، فتح حدیبیه است. چون این فتح بود که راه را برای داخل شدن مؤمنین به مسجد الحرام با کمال ایمنی فراهم کرد و سیاق آیه هم این معنا را تأیید می کند. زیرا پیامبر خواب دیده بود که وارد مسجد الحرام می شوند، در حالی که تقصیر می کنند و مسلمانان خیال می کردند، این خواب پیامبر در همان سال محقق می شود. چون به قصد مکه حرکت کردند و مشرکین جلوی آن ها را گرفتند و بازگشتند، دچار تردید شدند و خداوند با این آیه، شک و تردید آن ها را زایل کرد.

حاصل آیه این است که آن رویای حقی که خدا به رسولش نشان داد، درست بود و رویای صادق ای بود. لیکن داخل شدن شما در مسجد الحرام و تقصیر کردنتان را به عقب انداخت تا فتح حدیبیه را نصیب شما کند و شما به راحتی داخل مسجد الحرام شوید. چون خداوند می دانست در همان سالی که رویا را نشان داد، نمی توانستید بدون ترس وارد مسجد الحرام شوید» [علامه طباطبایی، ۱۳۶۴ هـ. ش، ج ۱۸: ۴۳۳].

و بدین سان این وعده ی الهی نیز در سال بعد محقق شد.

۴. «سيقولون لك المخلفون من الاعراب سفلتا أموالنا و اهلوتنا...» [فتح/ ۱۱۵-۱۱۶]... و عدكم الله معانم كثيرة يا اخلونها فجعل لكم هنه...» [فتح/ ۲۱].

صاحب «مجمع البيان» شرح کامل داستان حدیبیه و فتح خیبر را ذیل این آیات چنین آورده است: «خداوند در

این آیات وعده می دهد که شما به زودی روانه ی جنگ می شوید و در آن غنیمت های زیادی به دست می آورید. آن وقت آن ها که تخلف کرده اند، پشیمان خواهند شد و درخواست اجازتی حضور می نمایند. این جنگ، جنگ خیبر است که رسول خدا و مؤمنین از خود گذشتند و آن را فتح کردند و غنیمت هایی هم گرفتند» [طبرسی، ۱۴۱۲ هـ. ق، ج ۹ و ۱۰: ۱۴۷].

۵. «تبت يدا ابي لهب و تب، ما اغني عتة ماله و ما كسب...»

«در آیات مبارکه ی این سوره دو خبر به غیب مسلم است:

الف) این که ابولهب و زئش که ام جمیل باشد، بدون این که مسلمان شوند، یا این حالت کفر از دنیا می روند که مستوجب احتراق به آتش است.

ب) خبر دیگر که به واسطه ی قراین فهمیده می شود، چنین است که از این دو نفر دیگر به شما صدمه ای نمی رسد و دست آن ها از صدمه زدن به شما بریده شد، زیرا اگر باز هم از آن ها برمی آمد که صدمه بزنند، می زدند و مخالفین این مطالب را برود قرآن استدلال می کردند. علاوه بر آن، در تواریخ هیچ مضبوط نیست که پس از آن، صدمه ای از این دو به وجود مبارک پیغمبر رسیده باشد. در چند کتاب تاریخی آمده است که چون ام جمیل سوره ی تبت را شنید، به طرف حضرت رسول (ص) آمد و خواست ایشان را با سنگ بزرگی بکوبد. پیغمبر در مسجد الحرام نزد ابوبکر نشست بود. ام جمیل به قدرت حق متعال پیامبر (ص) را ندید، فقط ابوبکر را دید و شعری در دم ایشان خواند. پس از آن رفت. پیغمبر (ص) فرمود: خداوند دید او را نسبت به من گرفت» [سیره ی ابن هشام: ۳۸۷].

۶. «قل للذين كفروا متغلبون و تحشرون الى جهنم و ينس المهاده» [آل عمران/ ۱۲].

«در شأن نزول این آیه گفته شده است که بعد از جنگ بدر و پیروزی مسلمانان، عده ای از یهود گفتند: این پیامبر امی که موسی ما را به آن بشارت داده است و مادر کتابمان وصف از او خوانده ایم که مغلوب نمی شود، همین پیامبر است؟ و عده ی دیگری گفتند: عجله نکنید و منتظر واقعه ی دیگری باشید. هنگامی که جنگ احد پیش آمد و مسلمانان شکست خوردند، به رسول خدا (ص) شک کردند و گفتند: نه به خدا قسم این پیامبر بشارت داده شده نیست و نه تنها مسلمان نشدند، بلکه عهد و پیمانی را هم



که بین آن‌ها و پیامبر بود، شکستند [طبرسی، ۱۴۱۲ هـ. ق، ج ۲: ۵۲۲].

در تفسیر نمونه آمده است: «طولی نکشید که مضمون آیه تحقق یافت و یهودیان بنی قریظه و بنی نظیر در هم شکست شدند و در غزوه‌ی خیبر، مهم‌ترین مرکز قدرت آن‌ها از هم متلاشی شد و مشرکان نیز برای همیشه در فتح مکه مغلوب شدند.»

در شرایطی که مسلمانان بعد از جنگ احد در وضعیت بدی به سر می‌بردند، چنین خیر صریحی از آینده و شکست کفار و یهود، جز از راه غیب ممکن نبود.

آیاتی که دلالت بر خبیری در آینده می‌کنند و در همان عصر نزول هم محقق شدند، بسیار فراوان اند و ذکر چند مورد فوق برای اثبات این جنبه‌ی اعجازی قرآن کفایت می‌کنند. ولیکن ذکر تعداد دیگری از این آیات به طور فهرست وار خالی از لطف نخواهد بود:

۷. «سیهزم الجمع و یولون الدبر» [قمر/۴۵]. خطاب به مشرکان مکه است که به قدرت و جمعیت خود مغرور بودند و وعده می‌دهد که به زودی جمع آن‌ها متلاشی می‌شود و فرار خواهند کرد و چنین نیز شد.

۸. «و قالت طائفة من اهل الكتاب آمنوا بالذی اتزل علی الذین آمنوا وجه للنهار... ولا تومنوا الا لمن تبع دینکم» [آل عمران/۷۴-۷۳]. در این آیات پرده از روی اسرار بیود و دشمنان اسلام برداشته و نقشه‌های ماهرانه‌ی آن‌ها برای متزلزل ساختن مسلمانان صدر اول، فاش می‌شود که در پرتوی آن، بیدار شدند و از وسوسه‌های اغواگر دشمنان برحذر گردیدند.

۹. «فان لم تفعلوا و لن تفعلوا فاتقوا النار...» [بقره/۲۴]. مشرکان را به تحدی فرامی‌خواند و وعده می‌دهد که شما هرگز نخواهید توانست همانند قرآن بیاورید. کما این که در آیات دیگر می‌فرماید، حتی اگر تمام جن و انس را به یاری فراخوانید، قادر نخواهید بود و می‌بینیم که تا به امروز این وعده‌ی الهی پابرجاست و هیچ احدی قادر به آوردن حتی یک سوره هم نشده است.

۱۰. «یا ایها الرسول بلغ... واللّه یعضمک من الناس» [مائده/۶۷]. همان طور که وعده داده بود، پیامبر را از هر گزند و آسیبی از ناحیه‌ی دشمنان حفظ کرد.

ب) اخباری که بعد از عصر نزول تحقق یافتند  
۱. «انا اعطیناک الکوثر، فصل لربک وانحر، ان

شانتک هو الاثر». کوثر معانی وسیعی دارد، اما روشن‌ترین مصداق آن، همان طور که علمای شیعه و بعضی از عامه گفته‌اند، وجود مبارک حضرت زهرا (سلام الله علیها) است که نسل و ذریه‌ی پیامبر از ناحیه‌ی دختر گرامی او در جهان منتشر شد؛ به طوری که امروز با وجود این که ۱۴۰۰ سال از زمان آن حضرت می‌گذرد، هزاران هزار نفر از فرزندان فاطمه در سراسر جهان پخش شده‌اند. از آن سو نیز دشمنان حضرت چنان نابود شده‌اند که امروز اثری از آن‌ها باقی نیست. در خاطره‌ی تاریخ محو شده‌اند و دیگر از آن جمعیت فراوان و اولاد کثیر آن‌ها در زمان پیامبر و ائمه (علیهم السلام) خبری نیست. این حقیقت را عده‌ای از علمای اهل تسنن نیز پذیرفته‌اند؛ از جمله فخر رازی که صریحاً به آن اعتراف می‌کند.<sup>۱</sup>

این اخبار غیبی خداوند بعد از عصر نزول تحقق یافت و با این که در زمان ائمه (ع) قبایل بنی امیه و بنی عباس رو به گسترش بودند و از آن سو، اولاد علی (ع) و فاطمه (ع) را از دم تیغ می‌گذرانند، اما چیزی نگذشت که وعده‌ی حق تحقق یافت و امروز نام فاطمه (س) و فرزندانش بر تاریخ می‌درخشد.

۲. «و اذن تاخذن ریک لیبعن علیهم الی یوم القیامه من یسومهم سوء العذاب ان ریک لسریع العقاب و انه لغفور رحیم» [اعراف/۱۶۷]: «یعنی ای پیامبر به یاد بیاور که از علم خدا گذشته که برای کیفر بنی اسرائیل، تا روز قیامت کسی را بر آن‌ها مسلط خواهد کرد تا به بدترین وجهی آن‌ها را عذاب کند. تاریخ نیکت بار یهود بنی اسرائیل و توسری‌ها و آوارگی‌هایی که به دست صدها کشورگشا در طول تاریخ به آن‌ها تحمیل شده است، این آسودگی خاطر را می‌دهد که وجود کنونی آن‌ها در فلسطین و کوشش آن‌ها برای ایجاد یک وطن و سرزمین ملی، از راه تعدی و تجاوز، موقت است و دوام چندانی نخواهد داشت. طبق مفاد آیه‌ی شریفه، عذاب و دربه‌دری بنی اسرائیل تا روز قیامت ملازم آن‌ها خواهد بود و این حقیقتی است که تاریخ به آن گواهی می‌دهد و از این که تا مدت طولانی بعد از ظهور اسلام ادامه داشته، نشان می‌دهد که این یکی از پیشگویی‌هایی است که بشر از آن عاجز است...» [طیباره، بی تا: ۲۴۱].

۳. «... و جاعل الذین اتبعوک فوق الذین کفروا الی یوم القیامه...» [آل عمران/۵۵]. «این قسمت از آیه وعده‌ای است از خداوند به عیسی (علیه السلام) که به زودی

عامه ناگزیر به توجیحات متناقض ذیل این آیه پرداخته‌اند و سعی در پوشاندن حقیقت می‌کنند. بیان دیدگاه‌های آن‌ها و پاسخ متین و همراه با استدلال به توجیحات غلط این دسته از مفسران، به روشنی و دقت ذیل همین آیه در «تفسیر المیزان» آمده است.

ج) اخباری که هنوز محقق نشده‌اند  
 ۱. اخبار مربوط به بیان نشانه‌ها و علائم قیامت در قرآن مجید به دسته‌ی دیگری از اخبار غیبی برمی‌خوریم که تا به امروز تحقق نیافته‌اند و زمانی هم برای وقوع آن‌ها معین نشده است و قطعاً آیندگان تفسیر این دسته آیات را بهتر درک خواهند کرد.

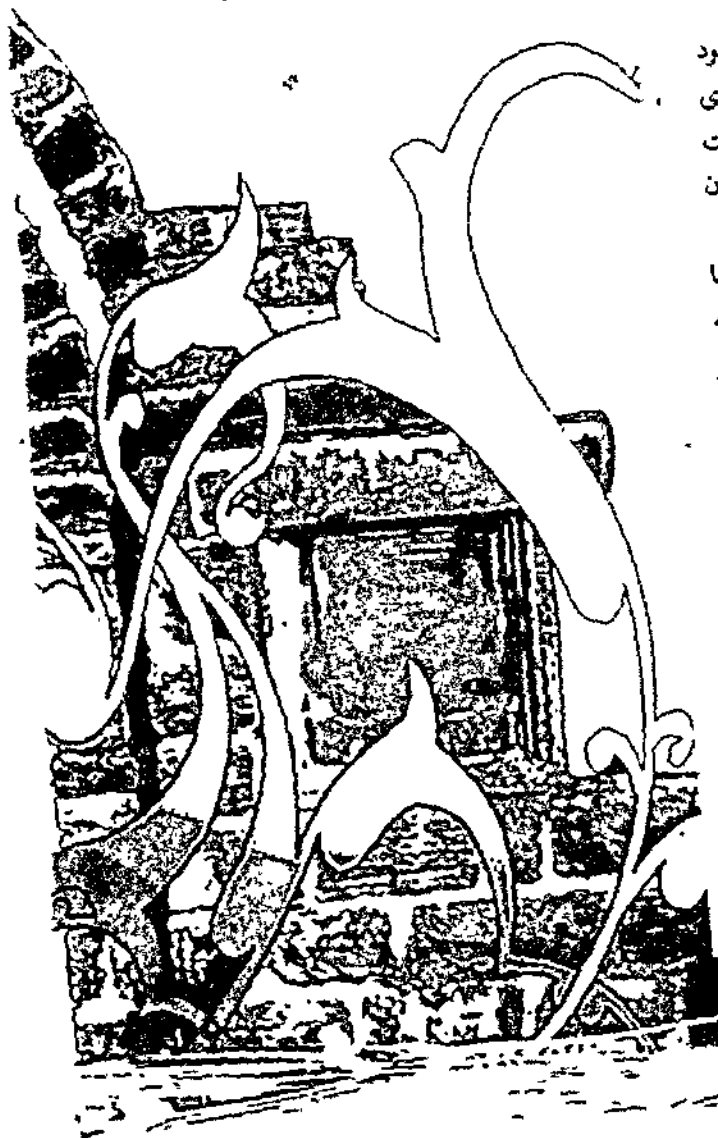
حال اگر سؤال بشود که چگونه از چنین اخباری که هنوز به وقوع نپیوسته‌اند، اعجاز تاریخی قرآن اثبات می‌شود، باید پاسخ داد در مطالب گذشته، موارد زیادی از اخبار غیبی قرآن را بیان کردیم که یک به یک تحقق یافته‌اند و غیبی بودن آن اخبار بر همگان ثابت شده است. از آن جا که برای این دسته آیات زمانی مشخص نشده است،

پیروانش بر مخالفین کافر به نبوتش تفوق پیدا می‌کنند و این تفوق تا روز قیامت ادامه خواهد داشت (و مراد از کافران به نبوت یهود است). مراد آیه‌ی شریفه این است که خدای تعالی نصاری را (آن‌ها که به عیسی ایمان داشتند)، بر یهود (آن‌ها که نیاکانشان به عیسی کافر شدند)، تفوق خواهد داد و غرض در این مقام، بیان این معناست که سخط الهی و عذاب او بر قوم یهود نازل خواهد شد و عذاب و مکر الهی بر آن‌ها شدت خواهد گرفت. آیه‌ی شریفه می‌خواهد خبر دهد به این که یهود تا روز قیامت توسری خور و ذلیل هر کستی است که معتقد باشد پیروی از عیسی واجب است. [طباطبایی، ۱۳۶۴ هـ. ش، ج ۳: ۳۲۷].

این بشارتی است که خداوند به مسیح و پیروان او داد تا مایه‌ی دلگرمی آنان در مسیری شود که انتخاب کرده‌اند. در واقع این آیه یکی از اعجاز‌آمیز و پیشگویی‌های غیبی قرآن است و هم‌اکنون نیز در دنیای امروز این حقیقت را شاهدیم که یهود و صهیونیست‌ها بدون وابستگی و اتکا به مسیحیان نمی‌توانند حتی یک روز به حیات سیاسی و اجتماعی خود ادامه دهند. [شورای نویسندگان، ۱۳۶۷ هـ. ش، ج ۲: ۲۳۲].

و روشن است که سیادت و سروری امروز یهود در فلسطین جز با کمک و حمایت کشورهای غربی نبوده و اسرائیل کنونی بازپچه‌ی دست کشورهای قدرتمند است و از سوی دیگر، مسیحیان از نظر افراد و قوا بر یهود برترند.

۴. «و اذ قلنا لک ان ربک احاط بالناس و ما جعلنا الرویا...» [اسری / ۶۰]. خداوند در این آیه به پیامبر می‌فرماید: آن شجره‌ی ملعونه‌ای را که در خواب به تو نشان دادیم، برای فتنه و آزمایش مردم است. در این که مراد از این رویا و شجره چیست، بین مفسران اختلاف است. اما آنچه از نظر علمای شیعه قطعیت دارد، این است که پیامبر (ص) در خواب بنی‌امیه را دیدند که چون میمون‌ها بر منبر آن حضرت چست و خیزی می‌کردند. بعد از این خواب پیامبر (ص) را همواره اندوهگین می‌دیدند. این آیه قطعاً ناظر به همین معناست و خبر از به حکومت رسیدن بنی‌امیه و در دست گرفتن منابر اسلام توسط آن‌ها می‌دهد. دیری بعد از پیامبر (ص) نپایید که بنی‌امیه سرکار آمدند و اسلام تا به امروز از این حکومت ناب‌حق ضربه می‌خورد. مفسران



می توان به طور قطع حکم داد همان طور که سایر آیات گذشته محقق شدند، این گروه از آیات نیز قطعاً و جزماً به وقوع خواهند پیوست و اسلام در انتظار تحقق وعده های الهی است.

در بسیاری از آیات، قرآن به تشریح نشانه های وقوع قیامت می پردازد و احوال مخلوقات را در آن روز ترمیم می کند. این دسته آیات که در قرآن نیز فراوان به چشم می خورند، به طور حتم از جمله اخبار غیبی قرآن هستند که در زمان معین خویش محقق خواهند شد. خیر دادن از وضعیت زمین، آسمان، کوه ها، ستارگان، دریاها، مردگان و... از ناحیه ی خداوند صادر شده که دارای علم ابدی و بی پایان است و خود در آن روز مالک همه چیز و همه کس است و مؤمنان و منکران تحقق وعده هایش را نظاره خواهند کرد.

در این جا تنها به ذکر نمونه ای می پردازیم که یکی از نشانه های قیامت است و خداوند در این آیه علامت

مهمی از آن روز را نشان می دهد: «حتی اذا فتحت یاجوج و ماجوج و هم من کل حدیب یشلون» [انبیاء/۹۶]. «با توجه به سیاق آیات قبل، معنای آیه این است که مدام امر به همین منوال جریان دارد. یعنی اعمال صالح مؤمنان را می نویسیم و قرأ ظالمه را هلاک می کنیم تا آن روزی که راه بسته ی یاجوج و ماجوج و سد آن ها گشوده شود؛ یعنی یاجوج و ماجوج از بلندی های زمین با سرعت به سوی مردم بتازند و این خود یکی از علامت های قیامت است» [طباطبایی، ۱۳۶۴ هـ. ش، ج ۱۴: ۲۶۰].

در مورد قوم یاجوج و ماجوج در سوره ی کهف به آیاتی برمی خوریم که از این قوم نام برده است و ذوالقرنین در مقابل ظلم های این قوم، سدی آهنین و محکم می سازد. طبق این آیه، در آخر زمان این قوم خروج و در زمین افساد می کنند. در مورد این که سد مذکور اکنون کجاست و یاجوج و ماجوج چه قومی بودند و در کجا زندگی می کردند، علامه طباطبایی ذیل آیات ۹۸-۹۳ از سوره ی کهف به بررسی دقیق و کارشناسانه ای پرداخته است و در همان سوره نیز خداوند وعده ی خرد کردن این سد را در نزدیکی های قیامت می دهد. این از ملاحم و پیشگویی های قرآن است [شورای نویسندگان، ۱۳۶۷ هـ. ش، ج ۱۴: ۴۶۰].

## ۲. وعده ی خداوند به جانشینی صالحان بر زمین

در قرآن کریم به آیاتی برمی خوریم که حوادث آینده ی زمین را پیشگویی می کنند و وعده می دهند که دین اسلام بر سایر ادیان غلبه خواهد کرد و صالحان و مؤمنان وارث زمین می شوند:





● سوره‌ی مبارکه‌ی اعراف / ۱۳۷

- سوره‌ی مبارکه‌ی انبیا / ۱۰۵

- سوره‌ی مبارکه‌ی نور / ۵۵

- سوره‌ی مبارکه‌ی قصص / ۵

آیات فوق همگی دلالت بر این دارند که آینده‌ی زمین از آن صالحان است و در روایات رسیده از طرق عامه و خاصه آمده است، این آیات در مورد قائم (عج) و اصحاب اوست. از جمله، روایت معروفی از پیامبر که می‌فرماید: اگر از دنیا یک روز باقی بماند، خداوند آن یک روز را به قدری طولانی می‌کند تا قائم آل من ظهور کند و زمین را از عدل و داد پر نماید، در حالی که از فسق و ظلم پر شده است.

- هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون [توبه / ۳۳]. این آیه نیز در سیاق همان آیات فوق است و وعده می‌دهد، اسلام بر تمامی ادیان غالب خواهد شد و هر فتنه‌ای هم که به پا شود، در نهایت به سود اسلام است و در تفسیر المیزان به نقل از تفسیر برهان از صدوق آمده است که امام صادق (ع) فرمود: «به خدا سوگند، هنوز تأویل این آیه نازل نشده و نخواهد شد تا آن که قائم خروج کند. وقتی او خروج کند، دیگر هیچ کافر به خدا و منکر امامی باقی نخواهد ماند، مگر این که از خسرویی آن جناب ناراحت می‌شود» [طباطبایی، ۱۳۶۴ هـ. ش، ج ۹: ۲۴۰].

- یا ایها الذین امنوا من یرتد منکم عن دینه فسوف یأتی الله بقوم یحبهم و یحبونه اذله علی المؤمنین اعزّه علی الکافرین... [مائده / ۵۴].

- فان ینکفر بها هولاً فقد وکلنا بها قوما لیسوا بها بکافرین [انعام / ۸۹].

آیات فوق نیز در حقیقت پیشگویی تاریخی است و به مردم مسیبت ایمان که محبت غیر خدا را بر خدا ترجیح دادند، وعده می‌دهد که در مقابل این سستی شما، به زودی قومی را می‌آورم که آن‌ها را دوست می‌دارم و آن‌ها نیز خداوند را دوست دارند؛ مردمی که در راه خدا جهاد می‌کنند و از

اطاعت پروا ندارند. مفسران در مصداق این قوم یحیی ذکرند و شیخ طبرسی در مجمع البیان، با استناد به روایاتی، آن را ناظر به علی (ع)، سلمان و مقلد می‌داند و علامه طباطبایی در این زمینه می‌فرماید: «در این که حضرت علی (ع) روشن‌ترین مصداق برای این آیه و اوصاف مذکور در آیه است، شکی نیست. ولیکن بحث در این است که

آیا این آیه با همه‌ی اطرافیان و اصحاب آن جناب که در صفین و جمل در رکاب آن حضرت بودند، تطبیق می‌کند یا خیر؟ (با توجه به این که مراد از قوم یک نفر و دو نفر نیست، بلکه گروهی است که به صورت دسته‌جمعی می‌آیند)، چون بسیاری از اصحاب آن حضرت وضع را دگرگون کردند و اگر این آیه شریفه شامل همه‌ی آن‌ها می‌بود، باید آن افراد را استثنا می‌کرد [طباطبایی، ۱۳۶۴ هـ. ش، ج ۵: ۲۹۰] و لذا مصداق آیه تا به امروز محقق نشده است.

- «ستریم آیاتنا فی الافاق و فی انفسهم...» [فصلت / ۵۳]: در این آیه، خداوند وعده می‌دهد که خدای سبحان به زودی آیاتی در آفاق و در نفس خود بشر نشان می‌دهد تا برای همه روشن شود که قرآن حق است. ذیل این آیه نیز مفسران چند احتمال داده‌اند که یکی از آن‌ها این است: «این آیه نیز در سیاق همان آیاتی است که وعده می‌دهد، دین خود را بر همه‌ی ادیان غلبه می‌دهد، به طوری که دیگر روی زمین غیر از خدای یگانه پرستش نشود و همای سعادت بر سر تمامی افراد نوع بشر بال بگستراند که رسیدن چنین روزی غایت و هدف از خلقت بشر است» [طباطبایی، ۱۳۶۴ هـ. ش، ج ۱۷: ۶۱۳].

۳. آیات بیان‌کننده‌ی احوال بشر در عالم برزخ و نیز جهان آخرت

طبق این دسته‌بندی می‌توان آیاتی را نیز که به احوالات بشر در عالم آخرت ناظر است، در زمره‌ی آیات غیبی قرآن دانست و یقین کرد، همان گونه که سایر وعده‌های الهی محقق شده‌اند، این وعده‌ها نیز تحقق خواهند یافت و مؤمنان و کافران، صالحان و فاجران، و نیکان و بدان، به جزای خود خواهند رسید. خداوند در ذیل بسیاری از این دسته آیات تأکید می‌کند که وعده‌های الهی حق است. تعداد این آیات در قرآن فراوان است و با مراجعه‌ای هرچند اجمالی به قرآن، می‌توان به بسیاری از آن‌ها دست یافت [نورسی، ۱۳۷۹ هـ. ق: ۶۷].

۴. وعده‌ی مصون ماندن قرآن از تحریف قرآن در باره‌ی آیات، به حق بودن کلام خود تأکید می‌کند و وعده می‌دهد، چون این کلام از ناحیه‌ی خداوند است، خود آن را حفظ خواهد کرد و هرگز کلام غیر خدا بر آن راه نخواهد یافت و بقای معارف عمیق قرآن را تا همواره



تاریخ با قاطعیت تضمین کرده است، زیرا اولاً این قرآن برای تمام نسل هاست و ثانیاً مبتنی بر توحید فطری است و بر اساس قوانین فطرت استوار شده و همان گونه که فطرت تغییرناپذیر است، کلام الهی نیز که بر آن اساس است، تغییر نخواهد یافت و امروز ما می بینیم، قرآن با وجود گذشتن چهارده قرن از نزولش، بی هیچ تغییر و تحریفی در میان مسلمانان مانده است و این وعده الهی تا انتهای تاریخ باقی است.

از جمله آیات دلالت کننده بر این موضوع، می توان به دو مورد مهم اشاره کرد:

۱. «انا نحن نزلنا الذكر و انا له لحافظون» [حجر/ ۹].

۲. «لا یأتیه الباطل من بین یدیه ولا من خلفه تنزیل من حکیم مجید» [فصلت/ ۴۲].

### ۳. بیان حقایق عالم هستی و معجزات علمی قرآن

از دیگر وجوه اعجاز قرآن، اعجاز علمی است که در قرن چهاردهم و در عصر ما مفسران به آن پرداختند و تفاسیر این قرآن، خالی از بیان آیات علمی خداوند نیست و حتی عده ای در علمی نگری به آیات قرآن، به حدی افراط کردند که قرآن را فقط از این دریچه می دیدند و تفاسیرشان، تفاسیر علمی محض است. تردیدی نیست، قرآن حقایقی را از هستی و رموز کائنات بیان کرده است که در عصر نزول بر همگان پوشیده بودند و امروز با پیشرفت علم و دانش، جنبه هایی از این آیات الهی و کشف مجهولات عالم هستی در چهارده قرن پیش توسط قرآن آشکار می شوند. این آیات، علاوه بر آن که از اعجاز علمی قرآن خبر می دهند و معمولاً در همین مبحث نیز بررسی می شوند، به نوعی اعجاز تاریخی قرآن را نیز اثبات می کنند. زیرا نشان می دهند در عصری که از علم و دانش خبری نبوده است، حقایقی ژرف و عمیق و بهت آور از استمرار کائنات بر زبان پیامبری امی نازل می شود که بشر این عصر یا مدد گرفتن از علم و دانش وسیع و ابزار و وسائل علمی فراوان توانسته است، گوشه ای از آن حقایق را ثابت کند و به کشف پاره ای از مجهولات جهان نائل شود. این که قرآن در آن شرایط با قاطعیت پرده از اسرار هستی برمی دارد، نشان دهنده ای این واقعیت است که این آیات جز از راه غیب امکان صدور نداشتند و دلیلی است بر صحت نبوت پیامبر (ص) و در نوع

### خود اخباری است غیبی

دامنه ای این آیات بسیار وسیع و گسترده است و از آن جا که در بحث اعجاز علمی به آن پرداخته شده است و اغلب این آیات در گروه اعجاز علمی بحث می شوند و کتاب ها در این مورد فراوان به تألیف رسیده اند، از بسط بیشتر این بحث خودداری می کنیم و به چند مورد فهرست وار اشاره می کنیم:

- سوره ی مبارکه ی حجر / ۲۲
- سوره ی مبارکه ی حجر / ۱۹
- سوره ی مبارکه ی تبا / ۷
- سوره ی مبارکه ی نمل / ۸۸

ترتیب

۱. رک - تفسیر کبیر فخرزای، ج ۲۲، ص ۱۲۴.

منابع

- ۱- جعفری، یعقوب. پیش تاریخ قرآن. دفتر نشر فرهنگ اسلامی. تهران. بی تا.
- ۲- حمصی، نعیم. فکره اعجاز القرآن منذ البعثه النبویه حتی عصرنا الحاضر. مؤسسة الرساله. بیروت. ۱۴۰۰.
- ۳- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد بن فضل. معجم مفردات الفاظ قرآن. دارالکتب العربی بیروت. ۱۳۹۲. ه. ق.
- ۴- زینبختی، جلاله محمد بن عمر. کشف. دارالکتب العربی بیروت. ۱۴۱۶. ه. ق.
- ۵- سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن. الاتقان فی علوم القرآن. انتشارات رضی. بی جا.
- ۶- شورای نویسندگان. تفسیر نمونه. دارالکتب الاسلامیه. تهران. ۱۳۶۷. ه. ش.
- ۷- طیاره، عبدالفتاح. پیود از نظر قرآن. ترجمه ی علی منتظمی. انتشارات پیش. تهران. بی تا.
- ۸- طباطبائی، محمدحسین. المیزان فی تفسیر القرآن: ترجمه ی محمدباقر موسوی همدانی. تهران. دفتر انتشارات اسلامی. تهران. ۱۳۶۲. ه. ش.
- ۹- طبرستی، ابوعلی الفضل بن الحسن. مجمع البیان فی تفسیر القرآن. دارالاحیاء التراث العربی ۱۴۱۲. ه. ق.
- ۱۰- معرفت، محمدعلی. التمهید فی علوم القرآن. چاپ اول. مؤسسه ی نشر اسلامی. قم. بی تا.
- ۱۱- موسوی خویی، سیدابوالقاسم. البیان فی تفسیر القرآن. کعبه. تهران. ۱۳۶۴.
- ۱۲- مهلوی راد، محمدعلی. مجله ی قرآنی بینات. مؤسسه ی معارف اسلامی امام رضا (ع). قم. سال دوم. پاییز ۷۴. شماره ی ۳.
- ۱۳- مهلوی راد، محمدعلی. جزوه ی اعجاز قرآن. دانشگاه تربیت مدرس. بهمن ۱۳۷۵. ه. ش.
- ۱۴- نورسی، سعید. ذوالفقار، مجموعه المعجزات المحدثه و القرآنیه. دارالین زیندون. بیروت. ۱۳۷۹. ه. ق.
- ۱۵- یحیی، هارون. معجزات قرآن. ترجمه ی علیرضا عیاری. منادی تربیت. تهران. چاپ ششم. ۱۳۸۴.

